

عباس

شماره هفتم

مهر ۱۳۲۷

سال اول

آقای عباس مهرین

استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پاکستان

اهمیت فارسی در پاکستان

بیش از دو هزار سال پیش از ظهور مسیح مردمی در میان آسیا مقیم بودند که «آریا»

نامیده میشدند.

بمرور ایام اینها بدو بهره بزرگ تقسیم شدند: بهره ای که روبه باختر رفت حدود فرهنگی آن از سیحون و جیحون گرفته تا فرات و آسیای کوچک وسعت یافت و ایرانی خوانده شد و بهره ای که از کوه هندو کش تا بنگال را زیر پرچم خود درآورد هندی معروف گشت. این دو ملت در فکر و زبان و کیش و نژاد و همه خصوصیات فرهنگی دوبرادرانیک پدر و مادر بودند.

در عصر هخامنشی پنجاب و بهر دای از هند ضمیمه دولت بزرگ ایران شد، و گرچه آن دولت را اسکندر بر انداخت ولی علاقه اجتماعی و ارتباط فرهنگی بلکه سیاسی و اقتصادی کم و بیش در عصر اشکانی و ساسانی بین هند و ایران پابنده ماند، و اتفاقاً ملل غیر ایرانی که ترکان بودند گاهی که بر پنجاب و کشمیر مسلط میشدند و میان هند و ایران سدی میکشند خود آنها فرهنگ ایران را پسندیده و در هند مروج آن میشدند (چنانکه

بعدا مغول تیموریه همین کار را کردند) تا اینکه مسلمین عرب ایران را تسخیر کردند و سند را بگرفتند و طولی نکشید که ترکان و افغان مسلم بقیادت سلطان محمود و شهاب الدین غور برهند تاخند و پنجاب مرکز بزرگ شاهان مسلم شد، و بازرگانان و سربازان و جهانگردان و عرفاء و ادباء و شعراء ایران بآنجا راه یافتند و مقیم آن سرزمین شدند (از جمله استاد ابوریحان بیرونی است)

قطب الدین ایبک نخستین شهنشاه هند دلهلی را پای تخت قرار داد. در زمان جانشینان او مغول چنگیزی بر ایران حمله آوردند و عده بسیار از ایران فرار و هجرت کرده به پنجاب درآمدند. زبان فارسی، زبان رسمی و ادبی شاهان هند گشت و تا انقراض دوره تیموری یعنی ۱۸۵۷ جایی در هند نماند که فارسی راه نیافته باشد. مسلمین که سهل است، راجه های هند و سرداران بزرگ بریتانیه مراسلات رسمی را بفارسی مینگاشتند بلکه میان هند و انگلیس اشخاصی پیدا شدند که بفارسی شعر میسرودند و تألیف و تصنیف میکردند. در این زمان طولانی یعنی از سنه ۱۰۰۰ گرفته تا اواخر قرن نوزدهم بکوشش عرفاء و ادباء و شاهان مسلم و راجه های هند و چه در شمال و چه در جنوب هند فرهنگی تشکیل شد که آنرا باید فرهنگ اسلامی ایرانی هندی نامید زیرا که در ایجاد این فرهنگ اول امر و چین تعالیم اسلامی و پس از آن ادباء و شعراء ایرانی و در آخر مؤلفین و مصنفین هندی چه از مسلم و چه از غیر مسلم شریک میباشند. مرکز این فرهنگ در اوایل «لاهور» و پس از آن دلهلی و بعد لکهنو و در اواخر رامپور و حیدرآباد دکن شد، و اکنون پاکستان میباشد. در با نوردان اروپائی که بقصد بازرگانی و جهانگردی و تحصیل ثروت به بنا در مهم ممالک آسیا راه یافته بودند از قرن پانزدهم و شانزدهم ملل آنجا را ضعیف یافته آنها را غافلگیر و جهانگردی را مبدل به جهانگیری کردند. در سنه ۱۸۵۷ سراج الدین بهادر آخرین پادشاه دوده تیمور بفرمان سرداران انگلیسی معزول و به رنگون تبعید گشت و هندوستان رسماً در فرمان دولت بریتانیه درآمد، و دولت جدید، بنا بر مصلحت سیاسی بجای فارسی، زبان انگلیسی را رسمی و ادبی، و زبان نوخاسته اردو را زبان عمومی نمود. کتب زیاد به آن زبان ترجمه شد و چون بیشتر نویسندگان یا اصلا ایرانی بودند یا به تحصیل زبان و ادب فارسی را کاملاً می دانستند و رنگ ایرانی یافته بودند و از

افکارشعراء و سبک نثرنویسان ایران تقلید میکردند ، در نتیجه زبان اردو نیمه فارسی گشت و نقشه حکمرانان کاملاً عملی نشدولی طولی نکشید که دو رقیب قوی برای این زبان پیدا شد. یکی انگلیسی که زبان حکمرانان بود و ملت مغلوب بایستی آنرا فراگیرد و عنوان رسمی داشت، و دیگر هندی که بسبب هم‌چشمی پیشوایان سیاسی هندو تدریجاً قوت میگرفت و اکنون زبان رسمی هندوستان میباشد .

کشور حیدرآباد دکن که در جنوب هند واقع شده از سه ایالت تشکیل گشته که بومیهای هر سه ایالت بزبانی سخن میکنند که نه به اردو ارتباط دارد و نه به هندی ، ولی حکمرانان آنجا که تخمیناً از هفتصد سال بر آنجا شاهی میکنند مسلم بودند از جمله دوده بهمن و بعد قطب شاهی و پس از آن آصفیه که از سنه ۱۷۲۴ گرفته تا کنون حکمران میباشند. نظام کنونی هفتم نظام خانواده است . بفرمان او دانشگاه عثمانیه تأسیس شد و زبان رسمی و ادبی اردو قرار گرفت . پس از دهلی و لکنهو ، حیدرآباد بزرگترین مرکز فرهنگی ایران است . کتب مهمی به فارسی در اینجا تصنیف و تألیف شده اند از جمله تاریخ ترکتازان هند که دولت یار جنگ در پنج جلد به فارسی سره نوشت و لغت فرهنگ نظام از آقا سید محمد علی داعی الاسلام .

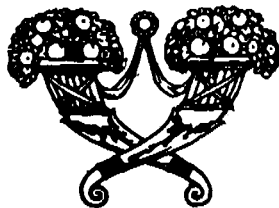
پس از آنکه رسماً شهنشاهی ملکه و کتوریا بر هند اعلان شد مسلمین چاره در این یافتند که با ملت حکمران بسازند و اطاعت بکنند و آنها را از خود خوشنود و مطمئن سازند. یکی از بزرگترین حامیان این فکر مرحوم سر سید احمد بانی دانشگاه علیکبره بود . در نتیجه دولت انگلیس با او همراهی کرد و این دانشگاه اکنون یکی از بزرگترین دانشگاههای هند میباشد در این دانشگاه نیز اردو مقام مهم را دارد ، و چونکه اکثریت مردم پنجاب مسلمین میباشند دانشگاه پنجاب نیز یکی از مراکز مهم اردو و فارسی و عربی شد. نویسندگان برگزیده به آنجا هجرت کردند و به زبان اردو و فارسی خدمات برجسته نمودند از جمله محمد حسین آزاد است که سبک اردوی او در همه جای هندوستان پسندیده شد و دیگر مرحوم سر محمد اقبال که افکار حکیمانه و عارفانه را بزبان فارسی سرود و محمود شیرانی که مقدمه بسیار خوب بر شاهنامه نوشت و مرحوم شبلی نعمانی که تذکره شعراء ایران را بنام شعر العجم در پنج جلد بنوشت و او یکی از پنج نثر

نویس بزرگ اردو میباشد. شگفتی در این است که مروج زبان فارسی در خارجه غیر ایرانی بود یا اینکه بگوئیم این زبان شیرین و زنده را ادبای مرده ایران چون فردوسی و نظامی و انوری و خاقانی و سعدی و حافظ در سراسر گیتی مرغوب و محبوب کرده اند. ادبای ایران باید ممنون کاوش و تحقیق ایران شناسان انگلستان و امریکا و فرانسه و آلمان و روس باشند که آنها فرهنگ و زبان ایران را از عصر باستان گرفته تا کنون شرح دادند و زیبایی و خوبی و اهمیت آنرا ثابت کردند. خیام را به مردم دنیا شناساندند، ستوی مولوی را با کمال زحمت ترجمه کردند و معانی عرفانی آنرا واضح نمودند و بالاخره اینک نیز پس از جنگ بزرگ ۱۹۴۰ انجمن های فرهنگی در ایران تاسیس کرده، ایرانیان را به زیبایی و خوبی ادبیات خود نیز آشنا مینمایند امریکائی در تهران دبیرستان تاسیس کرد در صورتیکه فاصله میان امریکا و ایران بعد المشرقین است و ایرانی در کشور همسایه که هند باشد و شهر بمبئی که بیش از ده هزار ایرانی دارد نتوانست تنها یک دبستان تاسیس کند و بیگانه که سهل است، فرزندان ایرانی را که آنجا کالج را منتشر میباشد تربیت نماید. نگارنده مکرر خدمت آقای علی معتمدی (سفیر ایران در هند) نوشتم و اهمیت تاسیس دبیرستانی که زبان فارسی در آن تدریس بشود، چه در بمبئی و چه در کراچی که پای تخت پاکستان شده، عرض کردم و ایشان نیز، چنانکه به نگارنده باسخ نوشتند گزارشهایی بوزارت فرهنگ نوشتند ولی نه دولت ایران اقدامی کرد و نه مردم ایران که در بمبئی و کراچی مقیم شده اند اعتنائی نمودند گویا علت آن تبدیل و تغییر کابینه هاست که هیچ وزیری شش ماه یا یکسال بیشتر مهلت نمی یابد که بفکر اصلاح بر آید یا اینکه بگوئیم بودجه اقتضا نمیکند یا اینکه بگویند چراغیکه برای خانه لازم است برای مسجد روا نیست ولی باید دانست چراغ دانش و ایران شناسی که در بیرون از کشور روشن میشود درون کشور را نیز روشن خواهد کرد

امروز هندوستان به دو بهره بزرگ تقسیم شده، بهره ای که با ایران همسایه و هم کیش و تقریباً هم فرهنگ و هم زبان است، پاکستان نامیده میشود بویژه پاکستان غربی که عده زیادی در آنجا یا بلهجه پشتو و بلوچی که از لهجه های ایرانی میباشدند

سخن میکنند یا فارسی را تحصیل کرده بآن علاقه دارند و اگر دست مودت و دوستی از جانب ایران دراز شود یقیناً نزدیکتر خواهند شد و ممکن است در آینده بیاری همکاری همدیگر هر دو قوی گردند. پاکستانی گمان میکند که هنوز روح فردوسی و سعدی در ایران نابود نشده و ممکن است میان ادب و عرفاء ایران اشخاص گمنامی پیدا بشوند که جانشین شایسته از سعدی و حافظ باشند و شاید گمانشان برخطا نباشد بشرطیکه دولت مشوق و مربی چنین اشخاص گردد، و آنها را افسرده و مأیوس نگذارد.

امروز، تنها ارتباط فرهنگی برای نزدیکی و دوستی دو ملت کافی نیست، بلکه باید ارتباط اقتصادی مزید بشود. نیمه بیشتر از بلوچستان در حدود پاکستان واقع شده و دولت پاکستان با کمال جدیت بخیال آبادی و تحصیل ثروت خدا داده آنجا افتاده و عنقریب است که کارخانه ها در آنجا ایجاد شود و بلوچستان ویران، گلستانی گردد در صورتیکه در نیمه دیگر مردم بیچاره و مفلوک، بالباس پاره پاره، در دشت و بیابان میگردند، و البته چون برادران خود را در رفاه دیدند بسوی آنها خواهند رفت و بآنها خواهند پیوست مگر اینکه تادیر نشده، ایران با همسایه دوست متفق گردد و هر دو در صد آسودگی و ترقی رعایا برآیند و در همه کار همکاری گردند، و ضمناً برای اینکه بهتر با همدیگر آشنا شوند، دولت ایران انجمن فرهنگی و دبیرستان فارسی در کراچی تأسیس کند و دانشمندان کاری بآنجا بفرستد که ملت پاکستانرا با ایران آشنا تر و نزدیک تر کند و هم چنین از هندوستان نمیتوان غافل شد زیرا علاقه ایران با ساحل غربی هندوستان از عصر باستان بوده و اکنون نیز هست و بمبئی نیز باید مهم ترین مرکز علمی و فرهنگی ایران بشود و اگر توجه دولت ایران، به این کارهای معنوی و لازم معطوف گردد دشواری ها آسان خواهد شد و عندهائیکه در عالم خیال پدید می شوند، ناپدید خواهند گردید.





محمود فرخ
شاعر استاد معاصر خراسانی